



فصلنامه اندیشه مهدویت و جامعه مطلوب

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

Journal Homepage: <https://sanad.iau.ir/journal/jgsm>



بررسی ملزومات حکمرانی در جامعه از منظر امام علی (ع) و با استناد بر آموزه‌های نهج البلاغه

فاطمه عبداللهی^۱: گروه تاریخ اسلام، کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۴ صص ۳۹-۵۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

چکیده کوتاه فارسی

استناد به آموزه‌های نهج البلاغه، منبعی معتبر برای تمام ادوار زندگی بشر است. اثر بخشی آن برای هر جزئی از جامعه کارآمدی بالای به دنبال دارد. ملزومات چگونگی دست یافتن به حکومتی که بتواند، زمینه ساز توسعه‌ای عادلانه و مردم سالار باشد، با تسلط و اعمال قدرت تفاوت دارد، و از نوعی تنظیم گری نشأت می‌گیرد. از دیدگاه امام علی (ع) ضرورت حکومت دینی جهت اجرای قوانین سیاسی، اجتماعی و... باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای در پی تحلیل بررسی ملزومات حکمرانی در جامعه از منظر امام علی (ع) با استناد به آموزه‌های نهج البلاغه است، پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد، که ملزومات دین برای حکمرانی در جامعه چه فوایدی به دنبال دارد؟ یافته‌های این اثر حاکی از آن است، کسانی که بدون شایستگی لازم در جایگاه حکمرانی (مدیریت جامعه) قرار می‌گیرند، آنان که مردمان را بد اداره می‌کنند، ستم بر آنان می‌نمایند، خود را در جایگاه جنگ با خداوند قرار می‌دهند، یعنی چنین اموری سرکشی در برابر خدا و اعلام مقابله و جنگ با حقیقت هستی است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، ملزومات، امام علی (ع)، آموزه‌های نهج البلاغه

استناد: عبداللهی، فاطمه؛ (۱۴۰۴): بررسی ملزومات حکمرانی در جامعه از منظر امام علی (ع) و با استناد بر آموزه‌های

نهج البلاغه، فصلنامه اندیشه مهدویت و جامعه مطلوب، سال ۱، شماره ۱، شیراز، صص ۳۹-۵۶.

^۱ نویسنده مسئول: فاطمه عبداللهی پست الکترونیکی: f.abdolahi2016@gmail.com

مقدمه :

از زمان تشکل جوامع و دولت‌ها به شکل رسمی و متکامل خود، تمایل به کسب قدرت و سلطه، مسبب توطئه‌های زیادی در ادوار گذشته‌ی تاریخ بوده، این نکته در میان افراد، جمعیت‌ها، دولت‌ها، احزاب و قبیله‌ها در نمونه‌های مختلف فرقی نداشته است، لذا جماعت زیادی از ملت‌ها قربانی ریاست طلبی حکمرانان و زورگویی بوده‌اند، که در سایه طمع ریاست طلبی خود از قتل عام دسته جمعی وحشتناکی که حرص قدرت طلبی به وجود آورده، بر کنار نمانده است. حکمرانان بی دانش و ستمگری که با سوء استفاده از مقام خود در انجام هر عملی آزاد بوده، پاسخ‌گوی هیچ عمل و مسئولیتی حتی در برابر هیچ کسی نبوده است. هنگامی اراده‌ی آنان سست شد، که پیامبر(ص) توانست در میان انبوه مشکلات روزنه‌ای برای روشنایی بگشاید و گروهی از نیکان و بسیاری از زحمتکشان و مستضعفین دور او گرد آیند. بعد از آن، در برهه‌ای از تاریخ این حکومت به دست با عظمت‌ترین انسان تاریخ رسید، که روح خود را با روح مستضعف گره زده تا الگویی برای حاکمان و دولت‌ها باشد. ویژگی‌هایی در نهج البلاغه نام برده شده هم‌چون: «عدالت، علم و دانایی، راستگویی، صداقت، ساده زیستی و...» لذا این مجموعه آگاهی‌ها، سودمند هستند. مجموعه ملزوماتی که باید با بهره‌گیری و تفهیم از همین آموزه‌ها همراه باشد؛ زیرا ایشان رهبری شایسته به دور از تکلف با زیر دستانش عمل می‌کردند، و در یک کلام هزار معانی شگفت انگیز نهفته دارد.

خطبه‌ی شش‌شنبه‌ی بهترین معرف و تعریف برای حکمرانان اجرای وظایف آنان است. رعایت اصول حکمرانی در کلام امیر، عبرت از حوادث گذشته است، زیرا حوادث تلخ، فراز و نشیب‌ها، عبرت از روزگار از فرو افتادن از شهبات مصون می‌دارد و بر او لباس تقوا می‌پوشاند. اما بی تقوایی همان بلای تفرقه و هوا پرستی است، امید است، که حکمرانان برای پیشبرد صحیح مقاصدشان با استناد به آموزه‌های ایشان، عملکردشان را پیش از پیش مورد اصلاح قرار دهند. سزاورترین فرد به حکمرانی کسی است، که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد، تا اگر آشوبگری به فتنه انگیزی برخیزد، به حق باز گردانده شود، اگر سر باز زد با او مبارزه شود، از ویژگی‌ها و شایستگی‌های حکمران این است، که در آغاز کار خود، حق را می‌شناسد و پاس می‌دارد. سخنان صریح و سیره‌ی عملی مولا علی(ع) ثابت می‌کند، که آن حضرت بر مبنای مشروعیت رهبری و حقانیت ولایت خویش را نصب الهی دانسته‌اند، از منظر امام خاستگاه ثبوت حقانیت و مشروعیت، رای و نظر مردم باشد، با روی گردانی مردم از آن حضرت، حکومت او دیگر نباید از وجاهت و حقانیتی برخوردار شود. آموزه‌های نهج البلاغه برای آگاهی از ملزومات و اهداف حکمرانان، مدیریت صحیح، اداره‌ی امور مبتنی بر آگاهی، مشخص بودن وظایف و مأموریت‌ها در کالان و اجرای آن است. معیارهای گزینش مسئولان یا حکمرانان این است، گزیده‌ترین آن‌ها نزد تو کسی است، که حرف تلخ حق را بیشتر از دیگران به تو گوش زد کند، از جمله کارهایی باشد که خدا آن را برای دوستان خود نمی‌پسند، از همه کم تر به تو یاری برساند، اما گروهی هستند، که در امور دولت به حاکم کمک می‌کنند، که امام می‌فرماید: «به شتری که علف بهاری را با میل و حرث پس از پشت سر گذاشتن زمستان خشک می‌خورد» تمام گفتار در مذمت و توبیخ آنها است، برای این که حرام‌های خدا را مرتکب شدند، و این دلیل عدم شایستگی آنها برای خلافت است. همچنین فرموده‌اند: «إِلَى أَنْ أَنْتَكْتَ عَلَيْهِ قَتْلُهُ وَ أَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ كَبَتْ بِهِ بِطْنَتُهُ» «همچنین می‌گویند» حَتَّى لَقَدْ وَطِئَ الْحَسَنَانِ وَ شَقَّ عِطْفَايَ»، اشاره به عدم تشریفات برای حاکمان اشاره دارد.

پیشینه‌ی پژوهش:

در ارتباط با مسئله‌ی پژوهش بررسی ملزومات حکمرانی در جامعه از منظر امام علی (ع) و با استناد بر آموزه‌های نهج البلاغه اثر مستقلاً نگاشته نشده است. کتاب‌ها و مقالات زیادی در مورد بررسی ملزومات حکمرانی در جامعه از منظر امام علی (ع) و با استناد بر آموزه‌های نهج البلاغه وجود دارد، و پژوهش حاضر نیز اثری تأثیر گذار خواهد بود. نوایی (۱۹۱۷)، در پژوهشی با عنوان «ساختمان حکومت در نهج البلاغه»، به منشاء حکومت از دیدگاه حضرت علی(ع) پرداخته و نشان می‌دهد که حکومت از دیدگاه حضرت علی(ع)، دارای منشاء الهی است. دلشادتهرانی(۱۹۹۰) در پژوهشی با عنوان دولت آفتاب؛ اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی(ع)، به بررسی شرایط و مشکلات دولت علی(ع) و تحولات بعد از وفات حضرت رسول(ص) و نیز ضمن بررسی اندیشه سیاسی امام، سیره عملی و حکومتی ایشان را نیز بررسی می‌کند. مجتبی مصباح در مقاله‌ی «مبانی، اصول و سیاست‌های حکمرانی اسلامی» به حکمرانی اسلامی بدون توجه به سیاست گذاری عمومی میهم است، اما سیاست گذاری در حوزه‌ی حکمرانی، توحید، هستی، جاودانگی زندگی آخرت را هدف والا می‌داند. جامع نگری، تناسب و تعادل و رابطه‌ی حاکمیت با امت را نیز مورد بررسی قرار داده است. نوآوری جستار این جانب در فرمایشات مولا علی (ع) و کلام

نهج‌البلاغه را می‌توان لحاظ کرد. روح الله طباطبایی و همکاران، در مقاله‌ی «بررسی و ارزیابی جایگاه حکمرانی مطلوب در نهج‌البلاغه» به حاکمیت و قانون، شفافیت، اجماع محوری، تساوی حقوق و جامعیت قلم زده است. در مورد این که امام حکمرانی را در مقام عمل، حکمرانی مطلوب می‌داند را به بحث اصلی مقاله گره زده است. کامبیز حمیدی و امیر حسین رمضان شمس در پژوهش «مدیریت و حکمرانی در اسلام از منظر نهج‌البلاغه» به شاخص‌های حکمرانی خوب پرداخته است، و پاسخ گویی و حق اظهار نظر و انطباق آن با نهج‌البلاغه، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثر بخشی دولت و کیفیت قوانین را بررسی کرده است. نوآوری این پژوهش در گسترده بودن سخنان و آموزنده‌های امام (ع) قابل بررسی است.

- بر اساس پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی، در پی پاسخ گویی به سوال زیر است:

- چرا امام علی (ع) حکمرانی را مهمترین رکن از ارکان جامعه می‌شمارد؟

با توجه به پیشینه فوق و به منظور پاسخ به سوال پژوهش، این فرضیه به آزمون گذاشته شده است: برحق باشید و بر خیانت پیشگان بتازید، صبر و مقاومت پیشه کنید، که پیش از هر چیزی پیروزی آورد، جنگ آوری و جهاد را بدانید، زیرا ذلت پذیری و تن پروی را از شما دور می‌کند. برتری جویی را از خود برانید و خود را تافته‌ی جدا بافته ندانید؛ زیرا بد می‌بینید و حکم با خداست. دشمن شناسی کنید زیرا او کارهای سخت و دشوار را آسان جلوه می‌دهد.

بررسی ملزومات حکمرانی در جامعه از منظر امام علی (ع) و با استناد بر آموزه‌های نهج‌البلاغه در نوشتاری جداگانه لازم به نظر می‌رسد. در این پژوهش با بهره گیری از کتاب نهج‌البلاغه، روایات دینی مذهبی و تاریخی - سیاسی سعی می‌شود، ضمن بررسی، ملزومات حکمرانی، تبیین سخنان امام در رابطه با حکمران (والی) و مردم، ملزومات و شایستگی‌های حکمرانان در کلام امیر مبنای معرفت شناختی در اندیشه مشروعیت حکمران، اثر بخشی آموزه‌های نهج‌البلاغه برای تصمیم‌های حکمرانان، معیارهای گزینش حکمرانان در کلام امیر، مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌گیرد.

ملزومات حکمرانی:

پیشینه‌ی رعایت اصول حکمرانی بر گرفته از کتاب حقیقت ما را به مواردی سوق می‌دهد که عبرت از حوادث گذشته است، زیرا حوادث تلخ، فراز و نشیب‌ها، عبرت از روزگار از فرو افتادن از شهبات مصون می‌دارد، امام راه روشن را به مانند نقشه‌ای برای پیروانش به یاد و یادگار گذاشت، تا وقتشان را از بطلات برهاند. رسم حکومتداری را بدون کم و کاست بیان کرد، تا فهم و تبیین آن را بر عهده‌ی ما بگذارد. حکومت و امور دنیایی به خودی خود بی ارزش تر از آن است، که مقصد آدمی قرار گیرد. این‌ها جز وسیله‌ای برای تحقق اهداف انسانی و الهی نباید باشد. جدول زیر نیز نشان از این ملزومات است.

جدول شماره ۱

ردیف	داده:	کد گذاری:
۱-	-امام اصولش را بر تقوا داری می‌داند. حساسیت قضاوت راه رسیدن به این مهم است.	خطبه ۲۴
۲-	-کسانی که آزمندانه مردم را به گمراهی دعوت می‌کنند، فتنه‌های بسیاری به دنبال دارد	خطبه ۲۳
۳-	-امام بالاترین تفکر خود را در راه عدالت به ودیعه گذاشت تا بگوید، حکمرانی به خودی خود چیز بی ارزشی است	خطبه ۱۵
۴-	-وظیفه‌ی خود را به پس گیری حقوق ستم‌دیدگان از ستم گران بدانید.	خطبه ۲۶
۵-	-دین مایه وحدت و سعادت است؛ زیرا دین است که مردم شما را فراهم می	خطبه ۲۷-۳۰

	آورد و دشمنان را خوار و زبون می سازد.	
خطبه ۳۱-۳۳-۳۷	مردم به داشتن زمامدار بر اجبار هستند، تا مومن به کار و سازندگی بپردازد و کافر زندگی کند. در سایه همین عمل حق ضعیف از قوی ستانده شود، تا نیکو کار از شر بدکار در امام بماند.	۶-
خطبه ۳۹-۴۰-۴۲	خدا ترسی، از ویژگی های منحصر به فردی است که نیاز حاکم و حکومت به آن ضروری است. با گمراهان مسامحه و سستی نکنید	۷-

تبیین سخنان امام در رابطه با حکمران (والی) و مردم:

بشر همیشه به دنبال روشی نو و راهی جدید برای رهایی از بن بست ها و مشکلات زندگی مادی و معنوی دنیای کنونی است، اما باید اول امام را آن طور که هست بشناسیم تا اندیشه های او را به خصوص در همین قالب در یابیم. آنچه ایشان از مردم خواسته اطاعت و فرمانبری از رهبران است تا در این رابطه به سهولت به کار آنان رسیدگی کنند، و آنان از درماندگی در امان بخشند، لذا از حکمرانان خواسته در برابر عموم ملت خود متواضع باشند، یعنی اصل مشورت را اجرا کنند. مستضعفان را در کنار خود اختیار کنند، تمام این سیره و رفتار الگو و مدلی است، برای به کار گیری آن در ادوار مختلف تاریخ، حال و آینده برای نسل بشریت، که نه کهنه می شود نه از یادها می رود. روش امام در حکومت داری نشان از برترین نمونه ی زمامداری است، که در راه حفظ حقوق بشر کوشید، با تمام وسائلی که در اختیار داشت، برای اجرای هدف الهی خود کار کرد، تا به درک بسیار روشنی از جامعه رسید، جامعه ای که بر اساس محرومیت اجتماعی پایه گذاری شده است. بهتر از دیگران می دانست تحول جامعه چیست، در اراده ی امام انگیزه ی نیکی زیاد بود. فریبندگی های جهان، توطئه های بد خواهان، نیز موثر نبود، و در قلب امام چیزی جز بر پا داشتن حق و نابود کردن باطل نبود. ایشان در پرتو عقل کامل و تیزبین خود به خوبی دریافته بود، که وجود امتیازات مادی طبقاتی در بین مردم راهی است، که سیر در آن، سرانجام زشت و ناگواری از قبیل، جمود فکری و پست نهادی و ردایل اخلاقی دارد، و منجر به ظلم و ستم، زورگویی و خیانت در حکومت و روابط مردم با حکومت می گردد (جرداق، ۱۳۷۹: ۱۸۵)، این تبیین، ویژگی هایی دارد، که در ذیل به آن اشاره شده است، هم چون: امر به معروف و نهی از منکر ضامن سعادت و سلامتی جوامع است. سفارش امام را در وصیت شریفشان در همین مورد که «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» این عقوبت شما در ترک امر به معروف و نهی از منکر است. ویژگی های آن برای جامعه، بدان بر شما مسلط می شوند، دفع شر سخت تر، دعاها یاتان به اجابت نمی رسد. مگر آنکه مردم عملکرد خود را اصلاح کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷).

«وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْ عَنِ الْمُنْكَرِ يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ» (سورۃ النور، ۱۳۸: ۱۰۵).
 با دست و زبان مانع از انجام کار زشت، و زشتی ان را یادآوری کن، ... (سروش، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و از میان شما باید گروهی باشند که (دیگران را) به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.

«وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقْرَبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ» (امر به معروف و نهی از منکر، نه اجل را نزدیک و نه روزی را کم می کند)¹.

حقوق متقابل: خداوند برخی از حقوق را ویژه ی برخی از مردم و بر عهده ی بعضی دیگر نهاده است. این حقوق با هم در ارتباطند. اگر هر یک رعایت شود، دیگری نیز رعایت شده است. بعضی از آنها تحقق نیابد مگر به بعض دیگر. بزرگترین این حقوق حق والی بر مردم است و حق مردم بر والی می باشد. پس هرگز مردم اصلاح نشود، مگر والیان اصلاح شوند، و والیان اصلاح نشوند، مگر مردم پایداری کنند، پس آنگاه که مردم حق والی را محترم شمارند و به آن تعهد باشند، حق در جامعه زنده می گردد، حاکمیت دین در زندگی نمایان می شود، نشانه های عدالت گسترش می یابند، سنت ها و روش های نیکو و سازنده بر مسیر هموار عدالت جریان پیدا می کند، بدین ترتیب دولت و

¹- (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴).

حکومت ماندگار می‌شوند. دشمنان از مطامع خود نا امید می‌گردند. هرگاه مردم بر والیان نشان بتازند، یا بر آنان چیره گردند، یا والیان دست تجاوز بر مردم گشایند، اختلاف کلمه در جامعه بروز کند، نشانه‌های جور و ستم آشکار می‌گردد، به هوس‌ها عمل می‌شود، دستور دین معطل می‌ماند، حق نابود و نیکوکار خوار می‌گردد. بدتر از همه عقوبت الهی بر مردم فرود می‌آید.

وحدت مردم و مسئولان: در چنین شرایطی دست در دست هم، یکدیگر را پند دهید و نصیحت گری را به اوج رسانید. حریص بر تحصیل رضای الهی باشید، در این راه سخت کوش باشید. اما مهمترین و برترین حقوق الهی بر مردم همان نصیحت و برپا داشتن حق در جامعه است، از بدترین حالات والیان تکبر و خود برتر بینی می‌باشد، که آن را شدیداً تقبیح کرده‌اند.

– تملق ممنوع: ستایش بعد از بلا و مصیبت بد است، امام فرمودند: مرا بعد از خوبیها ستایش نکنید، زیرا من با خدا پیمان بسته به شما قول داده‌ام، از حقوقتان به طور کامل دفاع کنم. واجبات شما را انجام دهم. با من چون طاغیان سخن نگوئید، با سازش کاری و چاپلوسی با من معاشرت نکنید. مرا در جریان سخنان حق بگذارید، هیچ اضطراب و نگرانی از ابراز آن نداشته باشید. سخن حق بر او گران نیاید، اگر عادلانه بر او عرضه گردد. قطعاً عمل به حق و عدل بر او گران تر و سنگین تر خواهد بود. پس سخن حق رایزنی در عدالت را از من دریغ نکنید، زیرا من از دیدگاه بشری خود را بالاتر از خطا نبینم، و ایمنی مطلق در کارم ندارم، جز خداوند صاحب اختیار است. بنیان سخن امام(ع) برای حکمرانی بهتر این است که:

– از رشوه بپرهیزید: اگر در رنج زیادی باشم، دست و پایم در غل و زنجیر باشد، برایم خوش تر از آن است که بر بندگانم ستم کنم و چیزی از مال دنیا از آنان غضب کنم.^۱

– منش حاکم در برابر مردم: اولین کلام مهم رعایت حق مردم در بیت المال، که همان سیره‌ی ایشان است. تقسیم بیت المال، درخواست برای ترجیح اشراف در بیت المال، دوری کردن از حق خود در بیت المال و دستور ایشان برای جمع آوری زکات، را می‌توان نام برد (ثقفی، ۱۴۰۱، ۱۴۰)، امام به در خصوص بخشش‌های بی حد و حساب عثمان به خویشاوندان خود می‌فرماید: چون شتر از خوردن علف بهاری لذت می‌برد. فراوانی و خوش خوری اموال بیت المال به وسیله‌ی اقوام عثمان، تمام گفتار امام در مذمت و توبیخ آنان است، به آن دلیل که حرام‌های خدا را مرتکب شدند. این دلیل عدم شایستگی آن‌ها برای خلافت است. هنگامی که امام وارد به بیت المال کوفه شد، نگاهی حقارت آمیز به آن اموال نمود، و فرمود ای مال دیگری را فریب ده سپس آن اموال را میان حاضرین تقسیم کرد (نظری منفرد، ۱۳۸۸، ۳۰۰؛ جعفری تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

دومین کنایه از استبداد و خود رایی است؛ زیرا وظیفه‌ی یک حاکم اصل مشورت است. که نهایت آن، استبداد، فساد و هلاکت است. لذا نباید عمل حاکم سبب قتل او شود. مهمترین ویژگی‌های یک حاکم را حضرت امیر اخلاق، جوانمردی، عدالت، بخشش، دوری از ظلم و ستم، زهد و عبادت می‌داند. امام در نامه خود به اشعث بن قیس می‌فرماید: «ای فرماندار مسئولیت تو حرفه نیست، بلکه امنیت است، که بر عهده گرفته‌ای، تو را نسزد که خودسرانه تصمیم بگیری، و در کارهای مهم جز به دستور عمل کنی، اینک بخشی از بیت المال در دست توست و تو نگهدار آنی تا به دستم سپاریش»^۲

– رفتار مردم در برابر حکمران: حضرت علی (ع) هنگامه‌ی بیعت خود با مردم را چنین توصیف کرده‌اند، که هنگام بیعت و بعد از مرگ عثمان، عامه مردم چنان به گرد او جمع شدند، به مانند گله‌ی گوسفند، که علاوه بر ازدحام، معانی دیگری در نظر گرفته‌اند، و آن این است که مردم را به دلیل این که نمی‌دانند، هر چیزی را در کجا قرار دهند (ابن مزاحم، بی تا: ۷۸؛ جعفری تبریزی، ۱۳۷۹: ۲۰۴)، و کمی درک و رعایت ادب، می‌فرماید: « فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَّثَتْ طَائِفَةٌ وَ مَرَقَتْ أُخْرَى وَ قَسَطَ آخَرُونَ »^۳ منظور امام ناکثین است، که پیمان شکنی کردند. و ناکثین همان برخاسته از عامه‌ی مردم به ریاست طلحه، زبیر و عایشه جنگی را علیه حاکمیت اما به راه انداختند، و نصایح ایشان مقبول واقع نشد. این مسئله حاکی از همین تقاضای بی جا، به دست آوردن امارت، دشمنی با امام، کوتاه اندیشی، چهل و نادانی و کم خردی

۱ – خطبه، ۲۱۵

۲ – خطبه ۷۴

۳ – قصص، آیه ۸۳

است، که از نتایج این جنگ علیه حضرت علی(ع) می‌توان نام برد (مفید، ۱۳۹۵: ۲۷۱). علیرغم برتری دشمن پیروزی با امام بود، و رفتار ایشان با مسببان این جنگ از جمله عایشه نمونه‌ی بارز رفتار یک حاکم با عموم مردم را به تصویر می‌کشد، که مایه عبرت است. گروهی دیگر مارقین نامیده شدند. پرتاب تیر و خروج آن از کمان است، خوارج کسانی بودند که آنان که در جاده‌ی حق بودند، سپس از آن خارج شدند. به گمان خودشان در طلب حق مبالغه کردند، تا آن جا که از حق دور شدند.

پیامبر از آنها به همین لفظ خبر داده است، از دین چنان که تیر از کمان خارج می‌شود، آنان این گونه از اطاعت و فرمان امام علی(ع) خارج شدند. بنابراین لفظی که امام برای جماعت خود قائل شد، یعنی قاسط یا فاسق به همین اعتبار است. آنان که بر این تصور بودند که حق در روش آنان است، (همان سه طایفه)، جنگ را علیه ایشان به راه انداختند، به خاطر همان برتری جویی بود، که در امور دنیا طالب آن بودند، لذا همین برتری جویی در جهت فساد در زمین و دوری آنان از آخرت می‌شد. از حق غافل شدند و گرنه مرتکب این اعمال نمی‌شدند. امام علی(ع) با کلام خود عذر آنان را به سخره می‌گیرد و آنان برای آن چه انجام می‌دهند عذری ندارند. در نتیجه عذر آنان را باطل کرد و تاکید می‌کند دنیا در پیش چشمشان جلوه کرده است، که کلام خدا را نشنیده‌اند، سبب نشنیدن کلام خدا دنیا خواهی است، و دنیا خواهی یعنی دلیل بر کارهایی است، که انجام داده‌اند (ابن هیثم، ۱۳۷۵، ۱/؛ جعفری تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۹۳؛ دانش کیا، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

– ضرورت جازبه و دافع: در حکومت و رهبری: رهبر و حاکم اسلامی باید نقش مهم جازبه و دافعه را بشناسند، جایگاه اصلی و اساسی آن را بدانند، با جذب و دفع حساب شده، فرد و جامعه را در برابر خطرات و حوادث ناگوار حفظ کند، روزنه‌ی نفاق را برای منافقان و دشمنان باقی نگذارد، اگر رهبر اسلامی دارای جاذبه‌ی قوی و حساب شده نباشد، و عناصر فاسد و آلوده را به جا دفع نکند، نمی‌تواند مدیریت صحیح را تحقق بخشد (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹). امام نسبت به ضرورت جاذبه در مدیریت و رهبری جامعه، به مالک اشتر می‌فرماید: «قلب خود را از رحمت، محبت و لطف نسبت به ملت ملامال نما و با رعیت مهربان و دلسوز باش؛ زیرا آن‌ها دو گروه بیش نیستند، یا برادران دینی تو هستند، و یا انسان‌هایی هم چون شما» (دشتی، ۱۳۸۸: ۵۶). امام در نامه‌اش ویژگی‌های حکمرانان را چنین بیان می‌دارد. هنگامی که امام مالک اشتر را به مصر فرستاد، «اینک به سوی شما بنده ایی از بندگان خدا را اعزام کردم که در ایام خوف و خطر نیاساید، و از دشمنان در هنگامه‌ی خوف و خطر نیاساید... به سخنش گوش فرا دهید، و فرمانش را پذیرا باشید که او شمشیری از شمشیرهای خدا است. پس اگر فرمان کوچیدن دادن بکوچ، یا اینکه وجودش این جا لازم بود، شما را مقدم داشتیم، او را به فرمانروایتان برگزیدیم؛ زیرا او برای شما خیر خواهنده و بر دشمنانتان سخت کوبنده است»^۱ (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۹).

ملزومات و شایستگی‌های حکمرانان در کلام امیر:

سزاورترین اشخاص به خلافت کسی است، که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد، تا اگر آشوبگری به فتنه انگیزی برخیزد، به حق باز گردانده شود، اگر سر باز زد با او مبارزه شود. یک حکمران خوب در آغاز کار خود، حق را می‌شناسد و پاس می‌دارد. مهم است، که حق را بشناسید، تا بتوانید باطل را بکوید. البته در مقابل آن نیز گروهی هستند، که باطل را می‌شناسند و حق را خوار می‌دارند، چرا این‌گونه باشید. امام نفرین خود را بر حق شناسان را این گونه بیان می‌کند. حق شناسان یعنی کژی و نا راستی که مردم جامعه را به پستی می‌کشاند به همین خاطر امام آنان را بر باد نفرین می‌گیرد. متقابلاً یاران حق را نیز بشناسد. امام خود را از یاران حق می‌دانستند و می‌فرمایند «اگر لیاقت دانش و حکمت را داشتید، به رایگان از آبشار دانشم بر حوض جانتان می‌ریختم»^۲

ویژگی دیگر، سکوت برای حفظ وحدت است. خلافت سزوار من بود، لیکن سکوت کردم، تا امور مسلمان به سامان برسد. یعنی از تفرقه و فتنه پرهیز کردم. لذا پاداش آن بی رغبتی به ریاست و حکومتی است، که برایش دست و پا می‌شکنند. پرهیز از اتهام به دیگران، اما در همین خصوص بیانات امام زیبایی دیگری دارد، که در آن هنگام که بنی امیه بر من تهمت قتل عثمان را زدند، مانع جهالت من نگشت، خدا آنان را پند داد، که تهمت زنید، به راستی که پند الهی از زبان و بیان من رساتر است. باید از کتاب خدا در باره‌ی شبهه دستور گرفت. بی دلیل کسی را متهم نکرد. پس باید بندگان خدا در دادگاه عدل الهی بدان چه در سینه دارند، محاکمه و مجازات شوند. پارسایی نیز از ویژگی‌های است، که امام تاکید زیادی بر آن دارد. پارسایان یا همان پروا پیشگان در دنیا نمود کامل فضیلت و برتری‌اند. روابط متقابلی چون

^۱ - (نامه ۳۸)

^۲ (نامه ۳۷)

معرفت و اخلاص دارند، از دام اسارت دنیا رسته‌اند، قرآن را با همه وجود تلاوت می‌کنند، نماز پروا پیشگان، عبادتی خاکسارانه است. در همین راستا دوباره از ویژگی پارسایان (متقین) نام می‌برد، که به چندین مورد اشاره می‌توان کرد، ۱. توانمند در دین ۲. حریص در تحصیل دانش ۳. خاضع و خاشع در عبادت ۴. آبرومند به هنگام تنگ دستی ۵. صبور و بردبار در هنگام سختی ۶. به دور از آرزو و طمع ۷. لغزش او اندک است. ۸. اسیر دنیا طلبی نشود. ۹. بر شهوات خود مسلط باشد ۱۰. در شدائد و سختی ها مقاوم باشد. ۱۱. در امانت داری سخت کوش است و... در نهایت این تنها گوشه‌ای از فرمان‌های امام است، برای کسانی که بار مسئولیت مردم را بر دوش می‌گیرند.

نامه‌ی امام در خصوص تبیین خطبه‌ی ۷۵، که آئینه‌ی رشد و کمال است: باید بگوییم که کتابی پر محتوا می‌باشد. زبینه‌ی هر حاکم و حکمران و اثر بخش و ارتقای هر دولت، که علاقمند اصلیت آن را در این پژوهش بگذارم. حضرت امیر می‌فرمایند: «خدا رحمت کند بنده‌ایی که سخن خردمندانه را بشنود و در یابد. هرگاه به سوی رشد و هدایت خوانده شود، پاسخ مثبت گوید و دامن رهبر را گیرد تا به ساحل نجات رسد، پروردگارش را منظور دارد، دل در هوای او سپرد و از گناهش ترسان باشد، خالص و بی ریا به درگاه او رود و کردار شایسته تقدیم کند... از قانون شکنی دوری جوید، هدفدار حرکت کند، در جستجوی پادشاه الهی باشد، با نفس خود بسوزد و بر آمال و آرزوها غلبه کند. صبر و بردباری را مرکب راهوار نجات خویش سازد. پرهیزکاری را ساز و برگ سفر مرگ خویش دارد. راه روشن شریعت را پیش گیرد، و بر برهان‌های نورانی و روشنگر دین پایدار باشد. فرصت را غنیمت شمارد و از عمل صالح ره توشه سازد.»^۱ در تبیین این خطبه همین کافی است، که بدانیم دقتی سر گشاده برای اخلاص در حکمرانی خوب و عادلانه بر مردم است. بدون تردید باید این واقعیت را بپذیریم، که زمانه و مردمش به تعبیر روزگار متغیر است. اینکه چنین نصایح دلسوزانه‌ای چقدر کفایت می‌کند، به آگاهی و تدبیر مردمانش بستگی دارد. خوب است بخوانیم و در ترازوی عمل و اخلاص بگذاریم. پیامبران همگی از مستضعفان بودند، که خداوند با گرسنگی آزمود، به سختی و سخت کوشی مبتلا ساخت، و با موقعیت‌های ترسناک امتحان فرمود، و با صافی ناکامی‌ها وجودشان را پالایش داد. پس از روی شناختن فلسفه‌ی قدرت و ثروت که آزمایش انسان است، یا نداشتن آن‌ها را نشانه‌ی قهر الهی بشمارید. زیرا آنان راز خلقت و تدبیر الهی را در نیافته‌اند (ابن هیثم، ۱۳۷۵: ۶۹).

مبنای معرفت شناختی در اندیشه مشروعیت حکمران در کلام امیر:

سخنان صریح و سیره‌ی عملی مولا علی(ع) ثابت می‌کند که آن حضرت بر مبنای مشروعیت رهبری و حقانیت ولایت خویش را نصب الهی دانسته‌اند. از منظر امام خاستگاه ثبوت حقانیت و مشروعیت، رای و نظر مردم باشد، با روی گردانی مردم از آن حضرت، حکومت او دیگر حکومت نیست، تا از وجاهت و حقانیتی برخوردار شود. حکومت علوی تا وقتی که با عدم اقبال مردمی مواجه شود و مردم از روی قلب، بدان ابراز علاقه نکنند. هیچ گاه از ترفندهای تبلیغاتی و ابزار ثروت و مقام برای جلب نظر مردم و تسخیر اذهان استفاده نمی‌شود، بلکه تلاش می‌شود تبیینی واقع بینانه از نتایج مترتب بر آرا و ترسیمی صادقانه از برنامه‌های مورد مشورت مردم، فکر و اندیشه‌ی مردم رشد داده شود. تا آنان از روی کمال آگاهی اقدام به تصمیم و اظهار نظر نمایند. مشارکت‌های مردم صرفاً برای دستیابی به پست‌های مدیریتی و یا شرکت در اخذ تصمیم‌های حکومتی خلاصه نمی‌شود. بلکه نظارت عمومی بر عملکرد دولت مردان در قالب پیشنهاد، اعتراض و انتقاد از عرصه‌های مهم مشارکت مردمی محسوب می‌شود، تا روند مدیریتی نظام در زمینه‌های مختلف قانون گذاری، اجرایی و قضایی بر اساس مصالح و نیازهای واقعی جامعه‌ی اسلامی محقق گردد (کریمی والا، ۱۳۸۷: ۲۸۰)، و هم چنین در انتخاب کارگزاران دولت ارزش‌های اخلاقی و صلاحیت مکتبی را مد نظر قرار داد، تا با انواع کاستی‌ها و انحراف‌ها مقابله کند، لذا هرکه در تداوم کار و تلاش به ارزش‌های اخلاقی بی توجه بود، را عزل می‌کرد. عزل و نصب‌ها در حکومت آن حضرت جناحی و حزبی نبود، مستقیم زیر نظر امام و بر اساس ارزش‌ها صورت می‌گرفت، که امروز برای هسته‌های گزینش ما یک الگوی کامل حکومتی است. بنابراین باید دانست که چه افرادی را از مدیریت‌های نظام کنار زد و چگونه باید مدیریت‌ها (حکمرانی‌ها) را به سوی سلامت و اصالت سوق داد. با مطالعه‌ی نهج‌البلاغه و سیره‌ی عملی امام علی(ع) باید ملاک‌ها و معیارهای رد صلاحیت را شناخت تا با انواع آفت‌ها و آفت زده‌ها مقابله کرد. به عنوان مثال در حکومت امام قاضی یک روزه هم وجود داشت، «صبح فرمان قضاوت به ابوالاسود دوئی داده شد و غروب عزل گردید». این بزرگترین درس سیاسی، حکومتی برای حکمرانان (زمامداران) کشور های اسلامی است که تا کجا باید نظارت بر امور کارمندان نظام اسلامی دقیق و حساب شده باشد. آن ویژگی ها عبارتند از:

- رعایت حقوق مردم در جامعه‌ی انسانی امام: هدف نهایی از هر جامعه‌ی انسانی، نگهداری و حفظ حقوق طبیعی انسان است. آن حقوق عبارت است از آزادی، مالکیت، آزادی خاطر، آرامش، امنیت و مقاومت در برابر ظلم است. رضایت مردم، نظارت مردم، حق حاکمیت مردم را امام به شدت واجب دانسته اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۷: ۱۱۰؛ جعفری تبریزی، ۱۳۷۹: ۸۸).

- پرهیز از غرور و تکبر در ادای حقوق مردم: امام در خطبه قاصعه فرمودند: «شیطان را کبر و خود خواهی به او روی آورد... و برای آفرینش خود به آدم فخر و ناز نمود» پس شیطان دشمن خدا، پیشوای متعصبین و پیشرو گردن کشان است، اگر خدا تکبر ورزیدن را اجازه می‌فرمود، حتماً به بندگان مخصوص خود از پیامبران و امامان اجازه می‌داد. در صورتی که خداوند آن را ناپسند و تواضع و فروتنی را پسندید.

- رعایت وحدت نژاد بشری و برابری: امام با صراحت کامل به وحدت نژاد بشری و یگانگی، کوششهای مشترک بین همه‌ی مردم، به وحدت وظایف بین افراد جامعه، که بی شک یک جامعه‌ی انسانی خالص و بی نظیر در انسانیت خواهد بود، که هیچ گونه انگیزه‌ی قبیله‌ای و تعصب نژادی در آن راه نخواهد داشت، تاکید دارد. ایشان در نامه‌ای به عبدالله بن عباس فرماندار بصره از وی می‌خواهد: «نسبت به تمیمیان تند و بد خویی میکنی، مگر آنکه از بنی تمیم... آنان همیشه در جاهلیت و اسلام مورد هجوم کینه‌ها بوده‌اند، آنها از تبار ما و از خویشاوندان نزدیک‌اند. سازگاری کن، که خدا آن چه بر دست و زبانت جاری گشته است، چه خیر، چه شر، بخشش آرد که ما هر دوان در آن شریکیم»^۱

- حق امنیت و آرامش مردم: امام می‌فرماید: اگر از آشوب، جنگ و نهی جلو گیری کردیم برای این است، که صلح و آرامش برای سرزمین ها است، و اگر این حق آرامش و امنیت مورد هر گونه تجاوز و عمل ناپسندی واقع شود، بی شک زشت و قابل تقبیح است. امام برای جامعه‌ی انسانی خود، حقوق همگانی را حفظ می‌کند. هدفی بالاتر از این نمی‌داند که امنیت و آرامش در سراسر آن حکم فرما باشد.

- امنیت شخصی و وظیفه دولت: یکی از حقوق مردم آن است که در امنیت و آرامش باشند. یکی از وظایف دولت هم آن است که به هر وسیله‌ای که ممکن باشد این حق را رعایت و نگهداری کند. امام خود صاحب این اصل اساسی است که از آزار هرکس در امان باشی بر برادری با او کوشش کن.

- اصل کرامت انسانی: مهمترین اصل و پایه‌ی حقوق بشر کرامت انسانی است. کرامت به معنی شرافت، عزت و حیثیت ارزشی است، که منشاء احترام یک موجود می باشد. سخاوت و جوانمردی، بزرگواری دانستن کسی و... انسان موجودی دارای شرف و عزت است. خداوند کرامت را به انسان عنایت فرموده و در همه‌ی موقعیت ها انسان ها دارای شرف ذاتی و کرامت وجودی هستند.

- مقاومت در برابر ظلم: امام دفع ظلم و برچیدن بساط ظلم را موضوعی مربوط به زمامدار و قانون گذار قرار نداده، که هر وقت دلش بخواهد ستم کند، و یا عدالت را اجرا نماید، بلکه آن را حقی از حقوق توده‌ی مردم قرار داده است، تا کسی راه در راه رفع ظلم و ستم می‌کوشد، به روی کار بیاورد، و آن کس که ستم می‌کند بر مردم فشار می‌آورد را از کار برکنار کند (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۵۰).

- تعلیم و تربیت: خیر خواهی در حق شما را به نهایت رساندم و بیت المال را در راه شما صرف کردم، و شما را تعلیم دادم تا از جهل نجات یابیم و تربیت کردم تا آداب را فراگیرید. والی متصدی حیات محسوس و هم متصدی حیات معقول جامعه است. هم باید در تامین زندگی مادی مردم تلاش نماید و هم باید آن ها را در مسیر سعادت ابدی راهنما یی کند. زمامدار نباید ذهن مردم را با مفاهیم خشک پر کند و در صدد زندگی روحی آنان نباشد. بلکه علاوه بر تعلیم، تربیت نیز لازم است (زهات، ۱۳۹۰: ۱۱۸). امام در نامه‌اش اصول و مبانی تربیت را به فرزندش امام حسن(ع) آورده که اینک ضرورت تربیت مرا بر آن داشته تا تو را از یاد نبرم و تمام توجهم را به سوی تو پیش رانم و این وظیفه‌ای است که خواب راحت را از من ربوده است» تقوا ضمانت تربیت است، تو را به پاسداری از مرزهای الهی و همواره در خدمت و اطاعت او بودن سفارش می‌کنم. امام زمینه‌های تربیت و راه وصول آن را، نیکی به مردم، پاسداری از خوبی‌ها، جلوگیری از حاکمیت گناه، به پاخواستن در راه خدا و ارزش‌های الهی می‌داند (معینی نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۶). مهمترین اصل تربیت را در یک کلام می‌داند تقوای الهی، همان که اصل تربیت می‌باشد. باید با همه‌ی وجود در راه تحقق آن پای فشرد. یاد مرگ، آشنایی با واقعیت زندگی رمز تربیت است. در کار و زندگی لطف و مدارا پیشه کن، شخصیت خود را پاس دارد.

^۱ - (نامه ۱۸).

-شناساندن حق از باطل: حضرت علی(ع) برای ارتقای سطح آگاهی و شناخت جامعه دو راه پیش نهاده است: شناخت حق از باطل و شناسایی اهل آن‌ها، حضرت تنها شناخت حق را برای هدایت همه‌ی مردم، خصوصاً قشر تحجر گرا و ضعیف‌الفکر را کافی نمی‌دانست؛ زیرا بسیاری از مردم در حوادث پیچیده و فتنه‌های در هم تنیده قادر به تفکیک حق از باطل نیستند. در صورت قدرت تفکیک و توان تحلیل، به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات یا عدم فرصت کافی برای آگاهی از جزئیات حوادث، نمی‌توانند، تحلیل درستی ارائه دهند. بنابراین کسی که تنها حق را می‌شناسد، ولی نمی‌داند، چه کسی در روزگارش در صراط مستقیم حرکت می‌کند، و قابل اعتماد است، گاه بازیچه‌ی دشمن است، و گاه از فعالیت‌های اجتماعی باز ایستاده به عنصری بی اثر مبدل می‌شود، پس شناسایی حق از باطل به مثابه یک وظیفه‌ی خطیر اجتماعی می‌داند، بنابراین یکی از راهکارهایی که حضرت برای روشنگری و هدایت فکری مردم ارائه می‌کرد، شناخت حق و باطل و چهره‌های حق مدار یا منحرف بوده است (سلیمانی امیری، ۱۳۹۱: ۱۰۳-۱۰۴).

اثر بخشی آموزه‌های نهج‌البلاغه برای تصمیم‌های حکمرانان:

آموزه‌ها به ما می‌گویند، کسانی که بدون شایستگی لازم در جایگاه حکومت و مدیریت قرار می‌گیرند و آنان که مردمان را بد اداره می‌کنند، و به حقوق آنان تجاوز می‌نمایند، ستم بر آنان می‌نمایند، خود را در جایگاه جنگ با خداوند قرار می‌دهند، یعنی چنین اموری سرکشی در برابر خدا و اعلام مقابله و جنگ با حقیقت هستی است. امام اسرار به این دارد که «مبادا خود را در مقام جنگ با خدا قرار دهی که نه توان برتافتن کیفر او را داری، و نه از بخشش و آمرزش او بی‌نیازی» بر این مبنا ناشایستگان، بدکاران، تجاوزکاران، ستمگران در جایگاه حکومت و مدیریت در هر چهره‌ای و با هر ادعایی به جنگ برخاستگان با خدایند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۷۴-۱۰۰).

-پرهیز از هرگونه تعدی: عبارت پرهیز از جنگ با خدا، کفایت امور و آزمودن و پس دادن است. این معنی را می‌رساند که کفایت نکردن امور و بد آزمون پس دادن در حکومت و مدیریت موجب انواع تعدی‌ها به مردمان است. به منزله‌ی تعدی به حق الهی و جنگ با خالق هستی است. آن که ناتوان از کفایت امور مردمان است، و نمی‌تواند، از پس این آزمون برباید، به انواع تعدی‌ها درمی‌آید. تباهی و نابودی را بر خود می‌خرد.

-ناتوانی آدمی در برابر توانایی الهی: بی‌کفایتی در حکومت و مدیریت، زمامداران و مدیران را به تعدی بر مردمان می‌کشاند. این تعدی به منزله‌ی جنگ با خدا است، آن که گام در این تعدی می‌گذارد، در این توهّم به سر می‌برد که توان پاسخ دهی به خدا و تاب آوردن کیفر او را دارد. آن که با تعدی به بندگان خدا، کار خود پیش می‌برد و گمان می‌کند، که راه به جایی برده است. شکست خورده‌ی واقعی و به بن بست رسیده است. امام می‌فرماید: «الغالب بالشر مغلوب، المحارب للحق محروب» «آنکه با توسل به شر و بدی پیروز شود. شکست خورده است و آن که با حق بستیزد، درهم شکسته و غارت شود»^۱

- نیاز زمامداران و مدیران به بخشش و آموزش الهی: در همه حال آدمی نیازمند لطف و بخشش خدا می‌باشد. در جایگاه مدیریت به دلیل حساسیت کار و ارتباط با مردمان، این نیاز بیشتر است. آن که در اداره‌ی امور مردم بی‌کفایتی می‌کند و به تعدی راه می‌برد، گویا خود را بی‌نیاز از بخشش و آموزش الهی دیده است. امام زمامداران و مدیران را به این امر توجه داد، که از بخشش و آموزش الهی بی‌نیاز نیستند. حکومت کردن و مدیریت نمودن، آدمی را به توهّم قدرتمندی و خود تدبیری و بی‌نیازی میل می‌دهد، در حالی که هر چه هست از اوست. گمان بی‌نیازی از خدا، تباه کننده‌ی خود و راه و رسم حکومتی و مدیریتی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۱۸۰)، قابل ذکر است که در سراسر نهج‌البلاغه تاکید امام بر ترس از خداست، که بیشتر متوجه مدیران زمامداران می‌باشد.

^۱ - (غررالحکم، ۱۳۶۰).

معیارهای گزینش حکمرانان در کلام امیر:

معیارهای امیر المومنین برای حکمرانان هم چون چراغی است، در تاریکی شب، تا حقی به حق داری برساند، جامعه‌ای را به ساحل آرامش باز گرداند. مسئولیت خود را به خوبی به عهده بگیرد، از جمله‌ی این معیارها می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

— رک گویی و ناهمراهی در نادرستی: حضرت علی (ع) گزیده ترین مسئولان و همکاران را کسانی معرفی کرده است، که سخن حق را هر چند تلخ، پیش از هر کسی بیان کند. اگر ببیند مسئولی برای تصمیم نادرستی اقدام می‌کند، او را کمتر همراهی کند «ثُمَّ يَكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلُهُمْ بِمَرِّ الْحَقِّ لَكَ وَأَقْلَهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لَوْلِيَائِهِ»^۱

همچنین امام در انتخاب رهبر و مدیر ارشد و کلیدی دو ویژگی را بیان کرده است، رک گویی و ناهمراهی در نادرستی. مطلوب تو کسی نیست، که مطیع و سازش کار باشد، بلکه اشخاص رک گو، مستقل و راست کردار که به تصمیم های غلط و اقدامات نادرست و خلاف مصالح اجتماعی و سازمانی تن نمی‌دهد، مطلوب ترین همکارانند. چنین کسانی خیر خواهان مردم و سازمان و بهترین یاور برای زمامداران و مدیرانند. همکارانی که کجی‌های زمامداران و مدیران را پوشیده می‌دارند، به جای رک گویی تملق گویی می‌کنند. در برابر اقدامات و تصمیم های نادرست، غیر عملی و نابخردانه‌ی آنان سازشکاری می‌کنند، خیانتی همه جانبه کرده است، و راه اصلاح امور را می‌بندد. در جامعه‌ای که راه نصیحت و انتقاد بسته باشد، در برابر تصمیم های نابخردانه و به درستی کار شناسی نشده است، غیر عملی و سازشکارانه صورت گیرد، خطاها و خلاف‌ها پوشیده می‌ماند، و گامی در جهت اصلاح برداشته نمی‌شود و جز خیانت در امانت حکومت و مدیریت چیزی دیگر نیست. در نتیجه امام راه درست را این گونه به صراحت بیان می‌دارد «باید مطمئن ترین افراد نزد تو کسی باشد، که از همه راستگو تر است» (آمدی، ۱۳۶۰: ۱ / ۲۷-۲۷۳).

لزوم پارسایی در حکومت و مدیریت: پارسایی ورزیدن یعنی زندگی پاک و سالم، به دور از حرمت شکنی و گناه است، در حکومت و مدیریت ضرورتی اساسی است. زمامداران و مدیران بدون پارسایی در معرض هر گونه خلافتکاری‌اند، که هیچ چیز چون پارسایی نگهدارنده نخواهد بود، و بازدارنده نیست (سروش، ۱۳۹۲: ۲۱۳-۲۱۴).

لزوم راستی در حکومت و مدیریت: دومین معیار برجسته در این گزینش صداقت است. راستی و راستگویی معیاری اساسی در تشخیص انسان‌ها و قضاوت در باره‌ی آنان، این معیار در کنار امانتداری، برترین معیارها است. راستی و راستگویی در حکومت آنقدر مهم است، که حضرت علی(ع) در خطبه ای فرمودند: «پیمان من در آنچه می‌گویم در گرو است. به درستی گفتارم متعهد و پایدارم... نه به اندازه سر سوزنی حقیقتی را پنهان کردم و نه هیچ گونه دروغی بر زبان آوردم». امام در نامه اش، در بیان شناخت مسئول و مسئولیت ها به کارگزار خود در بحرین فرمودند «من نعمان را به زمامداری بحرین گماشتم و تو را از مسئولیت آنجا برداشتم بی آن که گرد گناهی به دامت نشسته، زیرا تو مسئولیت خود را نیکو انجام دادی و امانت را به خوبی پاس داشتی»^۲

امانت مسئولیت: داشتن احساس مسئولیت کامل از ویژگی‌های مسئول مطلوب است. مسئولیت به معنای اختیار داری و صاحب اختیاری و عنان گسیختگی نیست. تکلیف مسئولان آماده شدن برای پاسخ به سولاتی است، که در باره‌ی مسئولیتشان از جانب مردم پرسیده می‌شود. تعادل هزینه و سود، اتقان کار و عدم سوء استفاده از کار و سلامت کار و... (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۴۶-۱۴۹).

جدول شماره ۲

بهترین معیارها برای گزینش حکمرانان (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶).	*ردیف
-دانا و اندیشمند باشد.	۱-

^۱ - «باید گزیده ترین آن‌ها نزد تو کسی باشد که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید، و در کاری که از تو سر می‌زند و از جمله کارهایی باشد که خدا آن را برای دوستان خود نمی‌پسندد، از همگان تو را کمتر یاری کند».

^۲ نامه‌ی ۴۲

۲-	-امین باشد، کاردان باشد.
۳-	-کارش روی حساب باشد.
۴-	-از دقت و ابتکار، از ادب و ظرفیت کامل برخوردار باشد.
۵-	-نیکان را دوست بدارد و از بدان و ستمگران بیزار باشد.
۶-	-متواضع باشد.
۸-	-دارای تمام فضائل و کمالات باشد.

حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۵، امانت مسئولیت را چنین برآورد کرده است، در نامه‌ای به اشعث بن قیس به عنوان حاکم (مسئول) آذر بایجان «همانا پست فرمانداری برای تو آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست. باید از فرمانده و امام (ع) خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدان دستور به کار مهمی اقدام نمایی. اموالی در دست تو از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آنی تا به من سپاری. امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم» (مغنیه، ۱۳۸۷/۵: ۳۰۰).

صفات کمالیه حکمرانان اسلامی در ارتباط با مردم جامعه و وظایف او:

جدول شماره ۳

ردیف	*صفات حکمرانان	(جعفری تبریزی، ۱۳۸۱؛ مغنیه، ۱۳۸۷).
۱-	-نسبت به رعیت لطف و محبت داشته باشد. مردم را از غفو و اغماض برخوردار کند	- در عبادات دسته جمعی باید حد اعتدال را رعایت کند. زمامدار نباید خود را از مردم دور و پوشیده نگه دارد.
۲-	- با اجرای حق و عدالت و رضایت افراد جامعه محبوبیت خود را به دست آورد هر گونه کینه را از خود بزداید.	- باید از مقدم داشتن اقوام و بستگانش بر دیگران جداً خودداری نماید.
۳-	-هر چه برای زمامدار آشکار نشده، باید خود را نسبت به آن بی توجه نشان دهد.	-زمامدار باید استیضاح از خود را قانونی دانسته و به پاسخ دادن یا قبول خطا حاضر شود.
۴-	- زمامدار در عمل به عهد خود با خدا، بدون استعانت از خداوند متعال موفق نخواهد گشت.	برای احسانی که به مردم کرده نباید منت بگذارد. تخلف از وعده، برای زمامدار اسلامی و سایر متصدیان شدیداً ممنوع است.
۵-	- نباید به کیفری که داده پشیمان شود، هرگز نباید شتاب در غضب کند.	- نباید در امور انجام امور پیش از رسیدن شتابزده باشد. نباید به جای کشف حقیقت و پذیرش آن در مبهمات به لجاجت پردازد.
۶-	- نباید اشخاص بخیل، ترسو و طمعکار را در مشورت خود دخالت دهد. هرگز نباید شخص نیکو کار و بدکار در نزد زمامدار یکسان باشد.	- زمامدار نباید موقعی که حقیقت آشکار شد در پذیرش و اقدام به آن سستی کند. نباید در مواردی که همه‌ی مردم مساویند خود را مقدم بدارد.
۷-	- زمامدار نباید سنت‌هایی را که اصلاح و هماهنگی معقول مردم جامعه بوده و مردم به آن‌ها عمل نموده اند بشکند.	- نباید در اموری که مسئولیت دارد، خود را به غفلت بزند. زمامدار موظف است، همواره از حکومت‌های عادلانه که پیش از او بوده‌اند درس‌ها بیاموزد.

نتیجه:

رعایت اصول حکومت، عبرت از حوادث گذشته است. زیرا حوادث تلخ، فراز و نشیب‌ها، عبرت از روزگار از فرو افتادن از شهبات مصون می‌دارد، و بر او (حکمران) لباس تقوا می‌پوشاند. روش امام(ع) در حکومت داری نشان از برترین نمونه‌ی زمامداری است، که در راه حفظ حقوق بشر کوشید، با تمام وسائلی که در اختیار داشت، برای اجرای هدف الهی خود کار کرد، تا به درک بسیار روشنی از جامعه رسید، جامعه‌ای که بر اساس محرومیت اجتماعی پایه گذاری شده، بهتر از دیگران می‌دانست، تحول جامعه چیست. در اراده‌ی امام انگیزه‌ی نیکی زیاد بود. فریبندگی‌های جهان، توطئه‌های بد خواهان، نیز موثر نبود، و در قلب امام چیزی جز بر پا داشتن حق و نابود کردن باطل نبود. ایشان در پرتو عقل کامل و تیزبین خود به خوبی دریافته بود، که وجود امتیازات مادی طبقاتی در بین مردم راهی است، که سیر در آن، سرانجام زشت و ناگواری از قبیل جمود فکری و پست نهادی و ردایل اخلاقی دارد، و منجر به ظلم، ستم، زورگویی و خیانت در حکومت و روابط مردم با حکومت می‌گردد. سزاوارترین اشخاص به خلافت کسی است، که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد. یک حاکم خوب در آغاز کار خود، حق را می‌شناسد، و پاس می‌دارد. مهم است، که حق را بشناسید تا بتوانید باطل را بکوبید. از منظر امام خاستگاه ثبوت حقانیت و مشروعیت، رای و نظر مردم باشد، با روی گردانی مردم از آن، حکومت او دیگر نباید از وجاهت و حقانیتی برخوردار شود. در حکومت علوی هیچ گاه از ترفندهای تبلیغاتی و ابزار ثروت و مقام برای جلب نظر مردم و تسخیر اذهان استفاده نمی‌شود، بلکه تلاش می‌شود، تبیینی واقع بینانه از نتایج مترتب بر آرا و ترسیمی صادقانه از برنامه‌های مورد مشورت مردم، فکر و اندیشه‌ی آنان رشد داده شود، تا از روی کمال آگاهی اقدام به تصمیم و اظهار نظر نمایند.

معیارهای گزینش مسئولان این است، که گزیده ترین آن‌ها نزد تو کسی است، که حرف تلخ حق را بیشتر از دیگران به تو گوش زد کند، از جمله کارهایی باشد که خدا آن را برای دوستان خود نمی‌پسند. از همه کم تر به تو یاری برساند. داشتن احساس مسئولیت کامل از ویژگی‌های مسئول مطلوب است. مسئولیت به معنای اختیار داری و صاحب اختیاری و عنان گسیختگی نیست. تکلیف مسئولان آماده شدن برای پاسخ به سولاتی است، که در باره‌ی مسئولیتشان از جانب مردم پرسیده می‌شود. صفات کمالیه زمامدار (حکمرانان) اسلامی در ارتباط با مردم جامعه و وظایف او، قلباً نسبت به رعیت لطف و محبت داشته باشد. مردم را از عفو و اغماض برخوردار کند، با اجرای حق و عدالت و رضایت افراد جامعه محبوبیت خود را به دست آورد. حکومت به خودی خود و امور دنیایی به خودی خود بی ارزش تر از آن است، که مقصد آدمی قرار گیرد. اینها جز وسیله‌ای برای تحقق اهداف انسانی و الهی نباید باشد. اگر چه تبیین و تحلیل‌ها برای رهبری بر جامعه موثر است، لزومات حکمرانی را امام علی (ع) به طور شفاف برای آن دسته از کسانی که مسئولیت حکمرانی را بر عامه مردم انتخاب می‌کنند، بیان کرده است. امید می‌رود، حکمرانان جامعه‌ی اسلامی ما با تاسی از این بیانات امام و دریافت این ملزومات باری را از دوش زیر دستان خود بردارند، و در رفع مشکلات بالاخص ضروریات عموم کوشا باشند. سخن امام علی(ع) در هر زمینه‌ای معتبرترین منبع برای حل همه‌ی دشواریها و مشکلات است. حکمرانی و ملزومات آن نیز از مهمترین اسرار این گنجینه‌ی نورانی است، لذا مسئولان ما در همه پست‌های سیاسی، اجتماعی لازم است، به سخنان امام(ع) و راه و رسم حاکمیت را بیاموزند، و به آن عمل کنند.

منابع:

-قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیروز.

-نهج البلاغه ابن هیثم، (۱۳۷۵)، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، علی اصغر نواحی یحیی زاده، عبدالعلی صاحبی، محمد سروری مجد، چ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.

- ابن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، محمد، (۱۳۹۰) ، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه و شرح امیر خان بلوکی، چاپ هشتم، قم: تهذیب.

-آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۸۵)، غررالحکم و دررالکلم، با شرح و ترجمه ی سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲ و ۱، چاپ هشتم، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

-آیت الله خامنه‌ای، علی، (۱۳۹۹)، شرح نهج البلاغه، (شرح بخش هایی از نهج البلاغه در دیدارهای رضائی هیئت دولت با رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)، چاپ سوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

-ثقفی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۰۱)، ترجمه الغارات، (سال های روایت نشده از حکومت امیرالمومنین(ع) با مقدمه ی علی رضا پناهیان، ترجمه، تحقیق و تنظیم، سید محمود زارعی، چاپ دوازدهم، تهران بیان معنوی.

-جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۸۷)، حکمت اصول سیاسی اسلام(ترجمه و تفسیر فرمان مالک اشتر)، چاپ سوم، تهران: تدوین و نشر علامه جعفری.

-علامه جعفری، (۱۳۷۹)، امام علی در کلام خالق و مخلوق، گردآوری، تنظیم و تلخیص: محمد رضا جوادی، چاپ اول، تهران ، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

-جرداق، جرج، (۱۳۷۹) صدای عدالت انسانی، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، ۵جلد، چاپ دهم، تهران: سوره.

-فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۷۷)، آیین کشور داری از دیدگاه امام علی علیه اسلام، چاپ یازدهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- حمیدی، کامبیز؛ رمضان شمس، امیر حسین، مدیریت و حکمرانی در اسلام از منظر نهج البلاغه، فصلنامه ی رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۸، ۲۲۳-۲۴۸.

-دانش کیا، محمد حسین، (۱۳۸۶)، جمال کعبه، (شرحی بر تاریخ اسلام به روایت امام علی)، چاپ دوم، قم: نشر معارف.

-دشتی، محمد، (۱۳۸۸). معیارهای گزینش در نهج البلاغه، جلد ۱، تهران: انتشارات امیر المومنین.

-دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۹۷)، حکمرانی حکیمانه حکومت امام علی(ع)، حکومت موفق تاریخ، چاپ سوم، تهران: دریا. -دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۹)، دلالت دولت (آیین های حکومت و مدیریت در عهد نامه مالک اشتر)، چاپ چهارم، تهران: دریا.

-زها، عبدالمجید، (۱۳۹۰)، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، چاپ نجم، قم: بوستان کتاب.

-سلیمانی، امیری، جواد، (۱۳۹۱)، عدالت در گرداب: جریان شناسی تحلیلی حکومت علوی(ع) چاپ ششم، قم: اشراق حکمت.

-سروش، عبدالکریم، (۱۳۹۲)، اوصاف پارسایان (شرح خطبه ی امام علی علیه السلام در باره ی متقین)، چاپ یازدهم، تهران موسسه ی فرهنگی.

-سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۸) ، حکمت و معیشت (شرح نامه ی امام علی به امام حسن علیهم السلام) (دفتر نخست)، چاپ هشتم، تهران: صراط.

-سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین، (۱۳۸۷)، سخنان، نامه ها و حکمت‌های امیر المومنین اما علی بن ابی طالب(ع)، ترجمه سید محمد مهدی جعفری.

- طباطبائی، روح الله و همکاران، بررسی و ارزیابی جایگاه حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه، فصلنامه علمی تخصصی سپهر سیاست، شماره ۲۷، بهار ۱۴۰۰، ۸ تا ۲۹.

-کریمی والا محمد رضا، (۱۳۷۸). مقارنه مشروعیت حاکمیت (در حکومت های علوی و حکومت های غیر دینی) چاپ دوم، تهران: بوستان کتاب.

-مجیدی، اصغر، (۱۳۸۶). حقوق مردم در گفتار و سیره‌ی امیرالمومنان علی(ع). چاپ اول، قم: میراث ماندگار.

-مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، جاذبه و دافعه‌ی علی، چاپ هفتم، تهران: صدرا.

-مصباح، مجتبی، مبانی، اصول و سیاست‌های حکمرانی اسلامی، پژوهش نامه‌ی سبک زندگی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳۴، ۶۶-۷۰.

-مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷)، پیام مولا از بستر شهادت، چاپ سوم، قم: موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

-معینی نیا، مریم، (۱۳۷۹)، سیره‌ی اداری امام علی(ع)، در دوران خلافت، چاپ دوم، تهران موسسه‌ی انتشارات امیر کبیر.

-مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۷)، در سایه سار نهج البلاغه، به تحقیق و پژوهش سامی الغریری، مترجمان زهرا حسنی، اعظم حیدری عارف، چاپ اول، قم: دارالکتاب اسلامی.

-نظری منفرد، علی، (۱۳۸۸)، قصه‌ی کوفه (تاریخ زندگی امیرالمومنین(ع) از هجرت به کوفه تا شهادت)، چاپ پنجم، قم.

Resources:

-Navai (۱۹۱۷).

- Delshad Tehrani (۱۹۹۰).

-Ruhollah Tabatabaei et al., in the article "Investigating and Evaluating the Position of Desirable Governance in Nahjul-Balagha."

-Mujtaba Misbah in the article "Fundamentals, Principles, and Policies of Islamic Governance"

- Kambiz Hamidi and Amir Hossein Ramadan Shams in the research "Management and Governance in Islam from the Perspective of Nahjul-Balagha"

-(Jordaq, ۱۳۷۹: ۱۸۵).

-(Misbah Yazdi, ۲۰۰۸).

-(Soroush, ۲۰۰۹: ۱۰۵).

-(Nahj al-Balaghe, Words of Qasar, ۳۷۴).

-(Saghafi, ۱۴۰۱, ۱۴۰).

-(Nazari Manfared, ۲۰۰۹, ۲۰۰; Jafari Tabrizi, ۲۰۰۸: ۱۳۰).

- Sermon, ۲۱۵.
 - (Letter ۳۷)
 - Qasas, verse ۸۳.
 - (Mafid, ۲۰۱۶: ۲۷۱).
 - (Motaheri, ۲۰۱۰: ۱۸-۱۹).
 - (Dashti, ۲۰۰۹: ۵۶).
 - (Ibn Haytham, ۱۳۷۵: ۶۹).
 - (Kirimiwala, ۱۳۸۷: ۲۸۰)
 - .(Delshad Tehrani, ۲۰۱۸: ۱۱۰; Jafari Tabrizi, ۲۰۱۰: ۸۸).
 - (Letter ۱۸).
 - Zehat, ۲۰۱۱: ۱۱۸).
 - (Moeininia, ۱۳۷۹: ۱۹۶).
 - (Soleimani Amiri, ۲۰۱۲: ۱۰۳-۱۰۴).
 - (Soleimani Amiri, ۲۰۱۲: ۱۰۳-۱۰۴)
 - (Gharr al-Hakam, ۱۳۶۰).
 - "The most chosen of them should be the one who speaks the most bitter words of truth to you, and helps you the least in a matter that comes to your mind, which is one of the things that God does not like for Her friends.
 - (Amadi, ۱۳۶۰ / ۱: ۲۷-۲۷۳).
 - (Soroush, ۲۰۱۳: ۲۱۳-۲۱۴).
 - Ayatollah Khamenei, ۲۰۱۴: ۱۴۶-۱۴۹).
 - Fazel Lankarani, ۲۰۰۷).
 - (Mughniyyah, ۲۰۰۸/۵: ۳۰۰)
 - (Jafari Tabrizi, ۲۰۰۲; Mughniyeh, ۲۰۰۸).
- ۱-..... ۱.
- ۲-....., (۱۹۹۶), , Ali Azghar Nawawi Yahyizadeh, Abdulali Sahebi, Mohammad Sarwari Majd, first chapter, Mashhad: Astan Quds Razavi..

۱۵-میرزا محمد باقر، (۲۰۱۰)، *میرزا محمد باقر (میرزا محمد باقر)*
and Management in the Testament of Malik Ashtar), Fourth Edition, Tehran: Darya.

۱۶-بستان کتاب، بستان کتاب، (۲۰۱۱)، بستان کتاب-بستان کتاب، بستان بستان کتاب بستان، بستان: Bostan Ketab.

۱۸-بستان کتاب، بستان کتاب، (۲۰۱۲)، بستان کتاب بستان بستان: بستان کتاب بستان بستان Government (AS), ۶th edition, Qom: Ishraq Hekmat.

۱۹-بستان کتاب، بستان کتاب، (۲۰۱۳)، بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان (بستان بستان بستان Sermon on the Pious), ۱۱th edition, Tehran Cultural Institute.

۲۰-بستان کتاب، بستان کتاب، (۲۰۰۹)، بستان کتاب بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان Imam Hassan (AS)) (First Office), ۸th edition, Tehran: Sirat.

۲۱-بستان کتاب بستان، بستان-بستان بستان بستان بستان بستان، (۲۰۰۸)، بستان بستان، بستان بستان بستان the Commander of the Faithful, Ali ibn Abi Talib (AS), Translated by Sayyid Muhammad Mahdi Jafar.

۲۲-بستان کتاب، بستان بستان بستان بستان، بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان governance in Nahjul-Balagha, specialized scientific quarterly Sepehr Siasat, No. ۲۷, Spring ۱۴۰۰, ۸ ۲۹.

۲۳- بستان بستان بستان بستان بستان، (۱۳۷۸). بستان بستان بستان بستان بستان بستان (بستان بستان and secular governments) Second edition, Tehran: Bostan Ketab.

۲۴- بستان بستان، بستان بستان، (۱۳۸۶). بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان (AS). First edition, Qom: Lasting Legacy.

۲۵- بستان بستان، بستان بستان، (۱۳۸۹)، بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان، ۷۰ بستان بستان، بستان: Sadra.

۲۶- بستان بستان، بستان بستان، بستان بستان بستان، بستان بستان بستان بستان بستان بستان Research, Spring and Summer ۱۳۹۹, No. ۳۴, ۶۶-۷۰.

۲۷-بستان بستان بستان، بستان بستان بستان، (۲۰۰۸)، بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان Martyrdom, ۳rd edition, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA).

۲۸-بستان بستان، بستان بستان، (۲۰۰۰)، بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان (بستان)، بستان بستان بستان، ۲ بستان بستان، بستان: بستان بستان بستان بستان بستان بستان.

۲۹-بستان بستان، بستان بستان بستان، (۲۰۰۸)، بستان بستان بستان بستان بستان بستان، بستان بستان Researched by Sami Al-Ghuriri, Translators: Zahra Hassani, Azam Heydari Aref, ۱st edition, Qom: Dar Al-Kitab Islami.

۳۰-بستان بستان بستان بستان، بستان، (۲۰۰۹)، بستان بستان بستان بستان بستان بستان بستان (AS) from the Migration to Kufa to Martyrdom), ۵th edition, Qom.



Journal of Idea mahdism and desirable society

Vol ١, No ١, Spring ٢٠٢٥

Journal Homepage: <https://sanad.iau.ir/journal/jgsm>



Examining the requirements of governance in society from the perspective of Imam Ali (AS) and based on the teachings of

Fatemeh Abdollahi^١: MA in Islamic History Shiraz University, Iran

Received: ٢٠٢٤/١٢/٢٤ PP ٣٩- ٥٦ Accepted: ٢٠٢٥/٠٥/٠٦

Abstract

Citing the teachings of Nahj al-Balagha is a reliable source for all periods of human life. Its effectiveness leads to high efficiency for every part of the society. The requirements of how to achieve a government that can be a basis for a fair and democratic development are different from dominating and exercising power and originate from a kind of regulation. From the point of view of Imam Ali (AS), the necessity of religious government is to implement political, social and... laws. The present research is based on descriptive and analytical method and on the basis of library studies in order to analyze the requirements of governance in the society from the perspective of Imam Ali (AS) with reference to the teachings of Nahj al-Balagheh, the present research tries to answer the question that the requirements of religion for governance What are the benefits in society? The findings of this work indicate that those who are placed in the position of governance (society management) without the necessary qualifications, those who mismanage the people and violate their rights, oppress them, find themselves in They place war with God, which means that such things are rebellion against God and declaration of confrontation and war with the truth of existence.

Key words: governance, essentials, Imam Ali (AS), teachings of Nahj al-Balagha

Citation: Abdollahi Fatemeh, (٢٠٢٥): Examining the requirements of governance in society from the perspective of Imam Ali (AS) and based on the teachings of, Journal of Idea mahdism and desirable society, Vol ١, No ١, Shiraz, PP ٥٦-٣٩.